

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا واقعاً قرغیزستان یک دولت مستقل است؟

(ترجمه)

قرغیزستان از سال 1991م بدین سو هر سال 31 اگست را به عنوان روز استقلال جشن می‌گیرد. حال سوال این‌جاست که آیا قرغیزستان واقعاً یک دولت مستقل است؟ و آیا قرغیزستان از استندردهایی استقلال برخوردار است؟ بنابر این با مراجعه به حقایق تاریخی به دنبال جواب این سوال خواهیم بود.

شکی نیست که استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی شرط اساسی یک دولت مستقل واقعی است. این درحالی است؛ اصطلاح "استقلال" که به معنای آزادی از زیر سلطه یک حکومت استعماری است، در ابتدا توسط کفار برای جدا کردن سرزمین‌های اسلامی از خلافت ضعیف عثمانی استفاده می‌شد. بریتانیا و فرانسه برای جدا کردن سرزمین‌های عربی و آفریقایی از خلافت عثمانی و استعمار آن شعارهای "استقلال" را سر دادند تا این‌که جنگ جهانی اول آغاز شد و خلافت سرنگون شد و چون دولت‌های استعمارگر به سرزمین‌هایی اشغالی تحت تصرفشان راضی نبودند، جنگ جهانی دوم آغاز شد و در نتیجه امریکا که آرزوی رهبری جهانی را در سر داشت، جلو آمد و به همین منظور بر شعار "استقلال" مبادرت ورزید؛ چنان‌چه "پیمان آتلانتیک" اولین گام آن به سوی فرآیند استقلال بود.

پیمان‌نامه آتلانتیک یکی از وثایق و اسناد اصلی ائتلاف ضد هیتلر بود که توسط نخست‌وزیر بریتانیا و رئیس‌جمهور امریکا در کنفرانس آتلانتیک استقبال شد، در 14 اگست 1941م اعلان و در 24 سپتامبر، اتحاد جماهیر شوروی به آن پیوست. این پیمان‌نامه به منظور تعریف نظام جدید جهانی پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم صادر شد. سپس اصطلاح "سازمان ملل متحد" به عنوان اصطلاح مترادف، اصطلاح ائتلاف ضد هیتلر به کار رفت و بعداً اساس سازمان ملل متحد را شکل داد.

در این کنفرانس، امریکا در ازای ورود به جنگ از طرف متفقین، خواستار گشایش راه‌های دسترسی به مستعمرات دولت‌های دیگر شد و این موضوع رسماً در مواد پیمان‌نامه گنجانده شد. به عنوان مثال؛ این پیمان‌نامه بندی دارد تحت عنوان "بازگشت حق حاکمیت و خودگردانی ملت‌ها، که به زور از آن‌ها گرفته شده است". این به معنای ایجاد فرصتی به امریکا بود تا با شعار "استقلال" سرزمین‌های استعمار شده را علیه قدرت‌های استعماری قدیمی تحریک کرده و آن‌ها را مجدداً تحت استعمار خود درآورد.

به همین ترتیب، روند استعمارزدایی بار دیگر از هند آغاز شد که در سال 1947م منجر به "استقلال" هند شد. اما در واقع، زمانی‌که امریکا شروع به تحریک این کشور برای دستیابی به "استقلال" کرد، بریتانیا استقلال کاذب به هند و پاکستان داد و آن‌ها را همچنان در چنگال خود نگهداشت. بدین ترتیب چنین ظاهرسازی‌ها در سرزمین‌هایی که بعداً جدا شدند تکرار شد. اما کشمکش بین امریکا و انگلیس در هند تا امروز ادامه دارد. حزب مردمی هند (حزب بهاراتیا جاناتا)، حزب حاکم آن‌جا، مزدور امریکاست و حزب کنگره ملی هند مزدور بریتانیا؛ البته این در حالی است که امریکا کاملاً پاکستان را تحت تصرف خود دارد.

روند استعمارزدایی عمدتاً در کشورهای آسیایی تا دهه شصت قرن گذشته ادامه یافت. در آن برهه از زمان، استعمارزدایی از حمایت قوی سازمان ملل برخوردار بود. در دهه شصت قرن گذشته سازمان ملل از اعلامیه "اعطای استقلال به دولت‌ها و ملت‌های تحت استعمار" استقبال نمود. اما در سال 1961م، کندی رئیس‌جمهور وقت امریکا و خرشچوف رئیس‌جمهور وقت شوروی، در وینا، بر تقسیم مستعمرات در بین شان، توافق کردند. پس از آن، جنبش‌های "استقلال" به‌ویژه در آفریقا به قوت بیشتری ظهور کرد.

همانطور که از مطالب فوق دانسته می‌شود، ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی از طریق مبارزات استقلال‌طلبانه راه خود را به مستعمرات بریتانیا و فرانسه (و دیگر دولت‌های استعماری کوچک مانند ایتالیا و اسپانیا) باز کرده بودند.

اما از طرف دیگر، استعمارگران قدیمی تلاش کردند تا برای حفظ مستعمرات خود، سازمان‌های منطقه‌ای را تشکیل دهند. به عنوان مثال؛ بریتانیا تلاش کرد تا از طریق "سازمان دولت‌های مشترک المنافع" مستعمرات خود را حفظ کند و همان‌طور فرانسه نیز از طریق "سازمان فرانکفونی" تلاش کرد تا مستعمراتش را در چنگال خود داشته باشد. بنابراین، منازعات استعماری این استعمارگران از طریق قراردادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، در جریان قرار داشت.

اوضاع چنین بود تا این‌که جنگ سرد بین امریکا و رقیبش شوروی آغاز و شوروی در این جنگ شکست خورده و فروپاشید و به همین ترتیب دولت‌های همپیمان در داخل اتحاد جماهیر شوروی به استقلال کاذب دست یافتند. روسیه برای حفظ مستعمرات خود، رابطه دولت‌های مشترک المنافع را تأسیس کرد؛ اما با این حال هم نتوانست که مستعمرات خود را بطور کامل تحت قبضه خود نگهدارد. در ابتدا دولت‌های بالکان به اروپا پیوست؛ چیزی که منجر به کاهش نفوذ روسیه در آن دولت‌ها شد؛ پس از آن، روسیه سازمان پیمان امنیت جمعی را "از لحاظ نظامی" و سازمان‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا را "از لحاظ اقتصادی" تشکیل داد و اما نفوذش کاهش بیشتری یافت؛ چنان‌چه دولت‌های تحت استعمار آن به عضویت دیگر سازمان‌های بین‌المللی درآمده اند و راه‌های دسترسی استعمارگران دیگر به آن‌ها باز شد.

حال اجازه دهید بر استقلال قرغیزستان از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی نگاهی بیندازیم:

از نظر سیاسی، قرغیزستان مانند سایر دولت‌های متحد آسیای مرکزی به استقلال کاذب دست یافت؛ در ابتدا آقایف که بی‌قید و شرط به روسیه خدمت می‌کرد، قدرت را در این سرزمین به دست گرفت، در کودتای 2005م، روسیه از به قدرت رسیدن کادرهای غربی جلوگیری کرد و آقایف را که به خوبی به آن خدمت کرده بود، به مسکو برد و باقییاف را به جای او نشاند و سپس باقییاف را به دلیل همکاری با امریکا و چین و تمایلش به سیاست‌های "چندبُعدی"، با شورش سرنگون نموده، کادرهای طرفدار غرب را حذف و به ایجاد دولت موقت در این سرزمین اجازه داد، همان‌طور آتامبایف که پس از باقییاف بر سر قدرت آمده بود، نیز به دلیل اقداماتش علیه پوتین بازداشت شد و چون جین بیکوف نتوانست مأموریت خود را به خوبی به انجام برساند، دولت فعلی با اجازه روسیه به قدرت رسید...

از نظر اقتصادی، بر کسی پوشیده نیست که قرغیزستان غرق بدهکاری است. همان‌طور که قرغیزستان به درخواست روسیه وارد اتحادیه اقتصادی اوراسیا شد و در حال حاضر از فشارهای خشن آن رنج می‌برد؛ به عنوان مثال: در واردات موتر/خودرو و صادرات کالاهای داخلی به دولت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا با موانع متعددی مواجه است.

از سوی دیگر، توسعه اقتصادی چین نیز قرغیزستان را در باتلاق قرضه‌ها فرو برده و چین به بهانه "سرمایه‌گذاری" معادن و زمین‌های قرغیزستان را تحت تصرف خود گرفته است. علاوه بر این، دولت فعلی از نظر اقتصادی به چین تمایل دارد، بنابراین بیشتر قراردادهای پروژه‌های بزرگ را با چین می‌بندد. رئیس جمهور جباروف قبلاً فرمان منع حمل مواد معدنی خام به چین را لغو کرده است. علاوه بر این، قرضه‌ها و کمک‌های دریافتی از غرب، قرغیزستان را از هر جهت تحت فشار قرار داده است.

از لحاظ نظامی، روسیه قرغیزستان را تحت نفوذ خود کنترل می‌کند. چنان‌چه یک پایگاه نظامی را در قرغیزستان به بهانه مبارزه با "افراطگرایی و تروریسم" تأسیس نموده است، در حالی که در واقع، هدف از تأسیس این پایگاه جلوگیری از مداخله نظامی امریکا و چین در قرغیزستان می‌باشد، و از طرفی قراردادهای در مصلحت این پایگاه نظامی در حال تمدید بوده و اراضی تحت قلمرو آن نیز در حال گسترش است.

بدین ترتیب تبعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی قرغیزستان از طریق سازمان‌های استعماری جهانی و محلی ثابت است، چون اگر حاکمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی که از ویژگی‌های اساسی استقلال است، در دست یک دولت نباشد، نشان دولت صرفاً یک تصویر، سرود ملی فقط یک آهنگ و پرچم آن فقط یک قطعه پارچه نخی خواهد بود!

ای مسلمانان! بیاییم تا دیگر فریب دروغ‌هایی مانند استقلال‌های دروغین را نخوریم، برای اعاده عدالت خلافت که تنها راه نجات از ظلمات دموکراسی و ظلم استعمارگران است، تلاش کنیم؛ زیرا این سرزمین ما (قرغیزستان) از دیرباز سرزمین اسلامی بوده و اجداد ما به اسلام خود بسیار پایبند بوده‌اند؛ علاوه بر این، مسلمانان باید حول یک خلیفه متحد شوند تا جلو غارت دارائی‌های مان "از سرزمین‌های اسلامی توسط استعمارگران کافر" گرفته شود! چون زندگی مسلمانان در زیر چتر ظلم و ذلت جایز نیست؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾

ترجمه: و هرگز الله برای کفار راهی (بر چیره شدن) بالای مسلمانان قرار نمی‌دهد (چیره شدن کفار بر مسلمانان را مجاز نساخته است).

نویسنده: ممتاز ماورالنهری

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: محمد علی مطمئن